

ارزیابی اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی شهری در محلات با الگوی کالبدی از پیش طراحی شده؛

نمونه محله سجاد مشهد

سمانه باقرزاده (دانشجوی کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

s.bagherzadeh@mail.um.ac.ir

مصطفی امیرفخریان (استادیار، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

amirfakhrian@um.ac.ir

محمد رحیم رهنما (استاد، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

rahnama@um.ac.ir

چکیده

اجتماع‌پذیری از جمله چالشهای فراروی فضاهای شهری و از موضوعات مهم در توسعه پایدار شهری بشمار می‌آید. بااینکه در منابع مختلف، از معیارهای اجتماع‌پذیری سخن به میان آمده‌است، اما توجه به شیوه ارزیابی و ویژگیهای زمینه‌ای، کمک شایانی در درک بهتر این موضوع می‌کند. براین اساس مطالعه پیش‌رو به دنبال آن است، اجتماع‌پذیری فضا را در محلات با الگوی کالبدی از پیش طراحی شده، مورد بررسی قرار دهد. شاخصهای تحقیق شامل ۵ دسته کالبدی، چیدمان فضایی، اجتماعی، عملکردی و آسایش محیطی و در قالب ۲۲ متغیر می‌باشد. محدوده مورد مطالعه محله سجاد مشهد و مقیاس مطالعه واحدهای همسایگی واقع در آن شامل امین و مینا است. در گام اول با تکمیل ۳۸۵ پرسشنامه از ساکنین، وضعیت حضورپذیری فضای عمومی محله مورد سنجش قرار گرفت. نتایج بهره‌گیری از آزمون "یومن‌ویتنی" بیانگر وجود تفاوت‌های معنادار در سطح محله در خصوص حضورپذیری فضا بود. در گام بعد سعی گردید وضعیت معیارهای اثرگذار بر حضورپذیری با استفاده از روشهای مشاهده میدانی، آماراستنباطی، تحلیل فضایی و تحلیل چیدمان فضایی، مورد سنجش قرار گیرد. برآیند این ارزیابی نشان داد که معیارهایی همچون توزیع جمعیت، انواع کاربریها، تنوع کاربریها و سلسله مراتب راهها، به دلیل اثرپذیری از طرح کالبدی، نقشی در بروز تمایزات اجتماع‌پذیری فضا در سطح محله ندارند. درمقابل معیارهایی همچون وضعیت مبلمان شهری و خدمات مرتبط با آن و همچنین معیارهای چیدمان فضایی بیشترین اثرگذاری را در تفاوت‌های درون محلی اجتماع‌پذیری فضا دارند. از اینرو مطالعه حاضر، ضمن توجه به تفاوت‌های درون محلی و ضرورت پرداختن به آن، نحوه شکل‌بندی محلات به صورت خودرو یا از پیش طراحی شده را در این ارزیابی دخیل می‌داند و براین ادعاست اجتماع‌پذیری فضا در سطح محلات برحسب فرایند شکل‌گیری آنها، الگوهای متفاوتی را نشان خواهد داد و چنین امری می‌بایست مد نظر برنامه‌ریزان قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اجتماع‌پذیری فضا، طرحهای کالبدی، واحد همسایگی، محله سجاد مشهد

۱- مقدمه

فضاهای شهری امروزه به شکل کامل، پاسخگوی نیازهای انسان به‌عنوان یک موجود اجتماعی نیستند و مردم، تنها به فضاهای شهری به‌عنوان مسیری برای گذر و نه گذار می‌نگرند. از جمله چالش‌هایی که اکثر فضاهای

شهری پس از دیدگاه‌های مدرنیستی در حوزه شهری، با آن مواجه شدند، تنزل جایگاه مؤثر بر حضور افراد در فضا می‌باشد و می‌توان شکل‌گیری فضاهای شهری ناکارآمد را، یکی از پیامدهای این رویکرد دانست (رفیعیان & سیفایی، ۱۳۸۴، ص. ۴۱). حضورپذیری به معنای سهولت حضور در فضا برای شهروندان است (صدیقی & احمدی رهقی، ۱۳۹۵). در فرهنگ لغت روانشناسی اجتماعی؛ یک اجتماع، معرف مجموعه‌ای از افراد است که در مجاورت یکدیگر زندگی می‌کنند و دارای منافع، تمایلات و طرز فکر مشترک هستند (شایان‌مهر، ۱۳۷۹، ص. ۳۹). دلبستگی افراد به‌عنوان بخشی از اجتماع به یکدیگر یا به مکان فیزیکی خود یعنی حس تعلق به اجتماع است (عظیمی، رضائیان قراگوزلو، & قادری، ۱۳۹۲، ص. ۳۶). یان گل، ویژگی حضورپذیری فضاهای شهری را با اصطلاح «شهر دعوت‌کننده» به کار می‌برد. او واژه‌هایی مانند حضورپذیری یا بستری برای حضور فضای شهری را با تأکید بر حضور مردم تعریف می‌کند و بار اجتماعی آن را مدنظر دارد (وحدت & سجاذزاده، ۱۳۹۵، ص. ۲۶). اجتماع‌پذیری را می‌توان مکانی باقابلیت‌هایی به منظور جمع شدن و گردهم‌آمدن تعریف نمود. مجاورت می‌تواند علت شروع رابطه‌ی اجتماعی باشد اما شرایط آن کافی نیست و میزانی از تجانس برای حفظ این روابط لازم است (طالبی، ۱۳۸۳، ص. ۱۶۱). بنابراین مونگومری نیز، مفهوم اجتماع‌پذیری، به‌عنوان قابلیت فضایی برای گردآمدن ترکیبی از اجتماع‌های انسانی در اشکال مختلفی از زندگی اجتماعی تبلور می‌یابد که در فضاهای شهری همچون واحد همسایگی، محله و ... به منصفه ظهور می‌رسد (مظفر، مسعود، & راست‌بین، ۱۳۹۱، ص. ۳۳).

در نظر لنگ و الکساندر اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی بر پایه نیاز مردم به حس تعلق اجتماعی و تعامل با یکدیگر قرار دارد و این امر در یک فضای اجتماعی حمایت‌کننده در کنار تأمین آسایش فیزیولوژیکی، ادعای قلمرو، حس مالکیت و دریافت عدالت در فضا، میسر خواهد بود (شجاعی، پرتویی، ۱۳۹۴: ۹۶). مونترو (۲۰۰۱)، نیز ویژگی‌های اجتماع‌پذیری فضا را در فضای امنیتی، ساختار منسجم، تداوم، خوانایی، قلمرو، وجود امکانات مناسب، راحتی محیطی و آموزشی، پیچیدگی و اسرارآمیز، تنوع، حفظ حریم خصوصی، دلبستگی و تعاملات اجتماعی در نظر می‌گیرد (Karami & Vafaie, 2017). ابعاد کالبدی فضاهای شهری در روند اجتماع‌پذیری و میزان مقبولیت فضایی و توانمندی‌های محیطی تأثیر دارند و می‌توان آن را ریشه بسیاری از مسایل دانست. فضاهای شهری باید مردم را به ساختار خویش وارد کنند و شکل‌دهنده هویت‌های اجتماعی در بستر مشارکت‌سازی اجتماعی باشند که بی شک از این طریق است که امکان شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در ساختارهای شهری میسر می‌شود (حسین‌پور، جاوید، & پیرزاد، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۶).

کیفیت و اجتماع‌پذیری فضاهای شهری می‌تواند در شکل‌گیری تعاملات سازنده اجتماعی و شکل‌دهی مشارکت‌های شهروندی مهم واقع شود (پورجعفر & محمودی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص. ۶۹). در این میان محله‌های شهری از جمله کانون‌های خرد و ملموس شکل‌گیری هویت‌های فرهنگی و تعلق اجتماعی هستند که در آنها کیفیت واحد فیزیکی منطبق با رفتارهای اجتماعی است (زمان‌زاده دربان، ۱۳۹۶، ص. ۷۸). فضای عمومی در سطح محلات باید بتواند فرصت تعاملات اجتماعی را فراهم کرده و بدین ترتیب حس انسجام محلی را ایجاد

کند (مدنی پور، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۶). فضاهای محلی و هویت اجتماعی آن به لحاظ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فضایی، سوژه منحصربه‌فردی برای سیاست‌گذاری شهری درزمینه‌ی مشارکت شهروندی است (رضوانی، ۱۳۹۵، ص. ۵۱).

نتایج بررسی مطالعات صورت گرفته در این خصوص نشان می‌دهد که معیارهای یاد شده جایگاه متفاوتی را به لحاظ اهمیت دارند و این خود بیانگر نسبی بودن اهمیت این معیارها در مواجهه با محیطهای گوناگون است. نتایج مطالعات در این خصوص نشان می‌دهد که در ارتباط با حضور پذیری زنان در فضای شهر (رضازاده، ۱۳۹۱) آن را از منظر رویکردهای فلسفی و حقوقی مورد توجه قرار می‌دهد. (رضایی، علی اکبری، یوسف زاده، & گرامی، ۱۳۹۴) توجه بیشتر به مقوله رنگ در فضای شهری و استفاده از رنگ های متناسب با روحیه شهروندان در هماهنگی با فرمهای مطلوب را نشان می‌دهد. نتیجه مطالعه (آرام، فریبا، & حبیبی، ۱۳۹۶) بیانگر آن است که در محلاتی که بازار دوره‌ای در مجاورت فضای سبز می‌باشد میزان مراجعه به بازار، آشنایی همسایگان از یکدیگر، حس تعلق و میزان همکاری با یکدیگر بیشتر از محلاتی است که فاقد فضای سبز می‌باشد. (رحیمی، حقیقت، & شهرستانی، ۱۳۹۷) نشان می‌دهند که حضورپذیری می‌تواند نقش مهمی در کاهش افسردگی سالمندان داشته باشد. یافته‌های (علیزاده مقدم، ذاکریان، & تشکری، ۱۳۹۷) بیانگر آن است که مبلمان نامناسب و کفسازی ضعیف، همه شمولی، نورپردازی نامناسب در شب در حضورپذیری افراد دخیل و مؤثر است. (شیرازبخت & گودرزی، ۱۳۹۹) نشان می‌دهند که شاخصهای مطلوبیت پیاده‌راهها چون: سرزندگی، نفوذپذیری، خوانایی، ایمنی و امنیت در حضورپذیری افراد دخیل و مؤثر است. نتایج مطالعه (اکبری & لطفعلیان، ۱۳۹۸) نشان داد که در میان ساختارهای بررسی شده، ساختار کالبدی، بیشترین تأثیر را بر حضورپذیری دارد. (آریان کیا & میرکتولی، ۱۳۹۹) و (Arasteh, Poorhasanzadeh, & Alizadeh, 2021) کیفیت و روشنایی معابر را در حضور پذیری زنان بسیار مؤثر می‌دانند. (Peng & Maing, 2021) افزایش تعداد سالمندان را سبب افزایش شاخص حضورپذیری فضا می‌داند. در بسیاری از مطالعات دیگر نقش آسایش اقلیمی در این خصوص بسیار مهم ارزیابی شده است برای نمونه می‌توان به مطالعات (Habibi, Behzadfar, & Saidi, 2020)، (Avalone Neto, Jeong, & Munakata, 2016) و (Lin, 2009) اشاره کرد. (Habibi, Behzadfar, & Saidi, 2020) عامل زیبایی فضا و ادراک آن را مهمترین عامل در این خصوص برمی‌شمرد. (Mosallanejad, Movahed, & keshmiri, 2020) تنوع فضایی را به عنوان عامل اثرگذار معرفی می‌کند. علاوه بر این باید به برخی مطالعات دیگر همچون (Avalone Neto, Jeong & Munakata, 2016) اشاره کرد که وزن بیشتری را برای مبلمان شهری، کیفیت فضای سبز و تراکم درختان در فضا لحاظ می‌کنند. (Mosallanejad, Movahed, & keshmiri, 2020) و (Taghipour & Bagheri, 2020) و (شجاعی & پرتوی، ۱۳۹۴) قابلیت دسترسی، پاکیزگی محیط و کیفیت همسایگی را مهمترین عامل حضورپذیری جوانان در فضا لحاظ می‌کنند. در مطالعه‌ای دیگر (Jalaladdini & Oktay, 2012) موضوع دسترسی و نحوه اتصالات مناسب را به گونه‌ای دیگر برجسته می‌کند. (صابر & رضایی، ۱۳۹۴)

نشان می‌دهند که چگونه متغیر دسترسی می‌تواند یک مکان خلوت را به یک مکان اجتماع‌پذیر تبدیل کند. در مطالعه (Moradi Masihi, Modiri, & Rashidpour, 2015) و (دانشپور & چرخچیان، ۱۳۸۶) عوامل روانی همچون احساس راحتی و تصویر ذهنی بیشترین وزن را دارد. (Gomes, 2012) نشان می‌دهد که فرم مکان و نحوه مدیریت فضا در این خصوص بیشترین اهمیت را دارد.

در مجموع، ارزیابی سابقه مطالعات نشان‌دهنده تکیه بر مقیاسهای محلی و فرامحلی و بررسی جایگاه متغیرهای اثرگذار در این خصوص به شکل مطلق است. این در حالیست که در شهرهای بزرگ مقیاسهای تنوع به شدت گسترده است و حتی خرده مقیاسهای محلی را نیز شامل می‌شود. همچنین نظر به نقش طرحهای کالبدی در شکل‌بندی فضا، بنظر می‌رسد در محدوده‌های دارای طرح کالبدی، تفاوت‌های موجود در خصوص اجتماع‌پذیری فضا، متمایز با سایر مکانها باشد. از اینرو مطالعه حاضر سعی دارد ضمن پیش کشیدن مقیاسهای درون محله‌ای (واحدهای همسایگی) و مقایسه آنها با یکدیگر در محلات دارای الگوی کالبدی از پیش طراحی شده، نسبت به نمایش تفاوتها و تعیین جایگاه خرده مقیاسها اقدام کند و بر این ادعاست که چنین بررسی می‌تواند تصویر دقیقتری از اثرگذاری معیارها ارائه کند. سابقه تهیه طرحهای کالبدی برای شهر مشهد به دهه ۱۳۴۰ باز می‌گردد. تا قبل از این، به استثنای برخی طرحهای موضعی، رشد کالبدی شهر فاقد طرح از پیش طراحی شده بود. طرح خازنی اولین طرح تفصیلی شهر مشهد که در سال ۱۳۵۲ به تصویب رسید. ساختار کلی و سلسله مراتب طرح شامل بلوک، واحد همسایگی، محله، ناحیه و منطقه شهری است. از جمله محلات بارشد برنامه شهر پس از این تاریخ، محله سجاد بود. این محله متشکل از سه واحد همسایگی است. این مطالعه اختصاص به دو واحد همسایگی امین و مینا دارد که در شرق و غرب محله واقع است. پارکهای این محله به عنوان مهمترین فضای عمومی آن شناخته می‌شوند. با توجه به مطالب یاد شده سؤال اصلی تحقیق آن است که:

آیا تفاوت‌هایی بین فضاهای عمومی محله از نظر اجتماع‌پذیری وجود دارد یا خیر؟

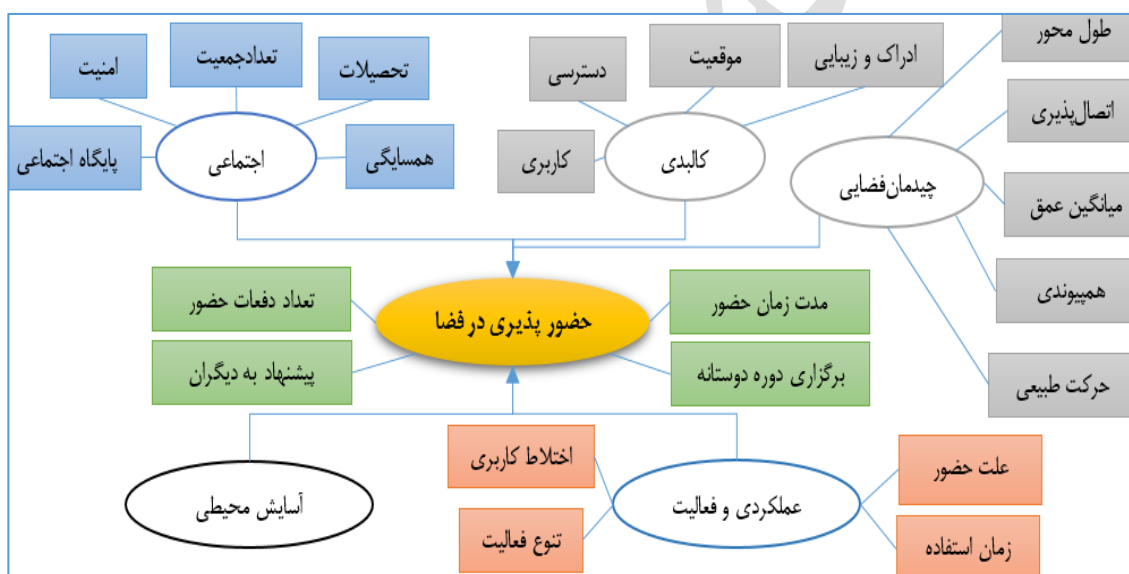
با توجه به شکل‌بندی محله براساس الگوی کالبدی از پیش طراحی شده، کدامیک از شاخصها، نقش مهمتری در اجتماع‌پذیری فضا دارند؟

هدف اصلی مطالعه از این بررسی آن است که چالشهای فراروی فضاهای عمومی در مقیاسهای محلی در محلات دارای طرح کالبدی از پیش طراحی شده را در راستای اجتماع‌پذیری نشان دهد. با توجه به مقیاس محلی مطالعه، این ارزیابی می‌تواند ابعاد کاربردی تری از یافته‌ها را نشان دهد.

۲- روش‌شناسی

با توجه به هدف و مساله تحقیق، روش این مطالعه توصیفی-تحلیلی بوده که در آن به فراخور از ابزار پرسشنامه، مشاهده میدانی، تحلیل فضایی و آماری استفاده شده است. در گام اول پس از مطالعه اسنادی، معیارها و شاخصهای مرتبط با اجتماع‌پذیری فضاهای شهری مشخص گردید. شناخت و انتخاب عرصه که لینداف از آن به‌عنوان صحنه کنش اجتماعی افراد تلقی می‌کند (خاکی به نقل از لینداف، ۱۳۹۱: ۱۶۲)، نیز در این پژوهش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که با انتخاب واحدهای همسایگی به‌عنوان بخشی از محله و فضای شهری

سعی در انتخاب عرصه‌ی فعال اجتماعی شده است. شاخص‌های به‌دست‌آمده از طریق پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت. شاخص‌های شهروند محور در قالب پرسشنامه به دو شیوه باز و بسته طرح گردید. با توجه به جمعیت محدوده و باتکیه بر فرمول کوکران تعداد ۳۸۵ پرسشنامه (۱۹۲ پرسشنامه از واحدامین و ۱۹۳ پرسشنامه از واحدمینا)، تکمیل شد. همچنین در این مرحله ضمن حضور در محله و بازدید میدانی از فضاهای عمومی بویژه پارکهای محلی، ابعاد دقیقتری از شاخصها احصاء شد. بهره‌گیری از روشهای تحلیل فضایی همچون شاخصهای خود همبستگی فضایی و focal statistics و همچنین روشهای آمار استنباطی نظیر آزمون یومن وایت نی، و در نهایت روش چیدمان فضایی، تفاوت‌های موجود بین فضاهای عمومی آشکار گردید. در نهایت نتایج حاصله در مقایسه با مطالعات اسنادی، مورد بحث و بررسی قرار گرفت و چالشهای موجود در این زمینه مشخص شد. از جمله ویژگیهای این مطالعه، ترکیب یافته‌های حاصل از روشهای گوناگون با یکدیگر به منظور ارزیابی دقیقتر و همه جانبه موضوع بوده است. متغیرهای تحقیق در قالب ۵ دسته به شرح زیر طبقه بندی شده اند.



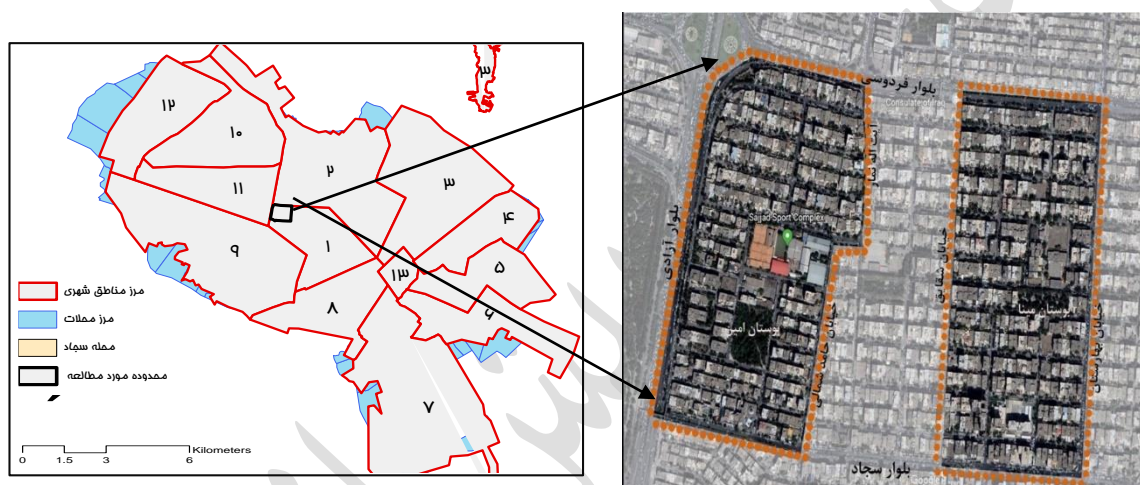
شکل ۱- معیارها و متغیرهای مرتبط با اجتماع پذیری فضا

جامعه آماری شامل ساکنین محله سجاد و واحدهای همسایگی امین و مینا می باشد که با توجه به میزان جمعیت و با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه به میزان ۳۸۵ نفر از ساکنین واحدهای همسایگی واقع در محله سجاد انتخاب شد. روایی پرسشنامه از طریق مراجعه به متخصصان مورد تایید قرار گرفت. پایایی نیز براساس روش آلفای کرونباخ مقدار ۰,۷۵۱ به دست آمد.

۱-۲- محدوده مورد مطالعه: شامل واحدهای همسایگی امین و مینا در محله سجاد شهر مشهد در منطقه شهری است. محله سجاد را باید از معدود محلات شهر مشهد دانست که شکل بندی آن بشکل نسبتا کاملی براساس

طرح تفصیلی (خازنی) شهر مشهد پس از ۱۳۵۰ است. از اینرو به نظر می‌رسد این ویژگی می‌تواند تصویر متفاوتی نسبت به سایر محلات از وضعیت جایگاه اجتماع‌پذیری فضا به نمایش بگذارد. از آنجاییکه بخشی از معیارهای اجتماع‌پذیری، متأثر از طرح‌های تفصیلی است، از اینرو این مطالعه در نظر دارد نشان دهد این معیارها در این محلات دارای چه وضعیتی هستند و آیا شرایط مناسبی را نشان می‌دهند؟

وسعت محدوده ۹۰ هکتار، جمعیت در سال ۱۳۹۵ معادل ۸۱۴۰ نفر (جمعیت واحد همسایگی امین ۲۳۸۶ و واحد همسایگی مینا ۳۱۰۰ نفر) و تعداد خانوار ساکن آن ۲۶۶۱ خانوار است. این محدوده از شمال بوسیله بلوار فردوسی و از جنوب توسط محور بلوار سجاد از غرب بوسیله بزرگراه آزادی و از شرق نیز بوسیله محور بهار محدود شده است (شکل ۲).



شکل ۲- موقعیت محدوده مورد مطالعه در شهر مشهد

۲-۲- معرفی تکنیک‌های مورد استفاده

الف) تکنیک **focal statistics** به منظور محاسبه همسایگی و شمارش ارزش‌های پیرامونی هر کاربری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مدل بر پایه رستر عمل میکند. نقشه کاربری از فرمت وکتور به رستر تبدیل شده و برای هر کاربری یک کد منحصر بفرید تعیین میشود. همچنین مشخص میشود که نوع همسایگی از چه نوعی است (مسططیلی، دایره‌ای، حلقوی، متصل، غیرهندسی و وزنی). فرایند این مدل برای هر قطعه (کد) مشخص میکند که چه میزان قطعات (کدهای جدید) در پیرامون آن واقع است.

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| 4 | 0 | 1 | 2 | 3 | 0 |
| 2 | 5 | 0 | | 3 | 2 |
| 1 | 1 | 2 | 3 | 5 | 4 |
| 1 | 5 | 3 | 2 | 1 | 4 |
| 5 | | 1 | 3 | 3 | 0 |
| 1 | 1 | 2 | 3 | 4 | 3 |

=

| | | | | | |
|----|----|----|----|----|----|
| 11 | 12 | 8 | 9 | 10 | 8 |
| 13 | 16 | 14 | 19 | 22 | 17 |
| 15 | 20 | 21 | 19 | 24 | 19 |
| 13 | 19 | 20 | 23 | 25 | 17 |
| 13 | 19 | 20 | 22 | 23 | 15 |
| 7 | 10 | 10 | 16 | 16 | 10 |

نقشه کاربری محدوده در قالب رستروکدهای مشخص

خروجی ناشی از اجرای مدل و محاسبه تعداد کاربریهای پیرامون هر سلول

ب) شاخص G_i : این شاخص مجموعه ای از عوارض وزن داده شده را که براساس سطح معناداری آماری، نقاط داغ و نقاط سرد را با استفاده از آماره G_i Getis-Ord* مشخص می کنند، را فراهم می کند. فرمول کلی این مدل بشرح زیر است

$$G_i^* = \frac{\sum_{j=1}^n w_{i,j} x_j - \bar{X} \sum_{j=1}^n w_{i,j}}{S \sqrt{\frac{n \sum_{j=1}^n w_{i,j}^2 - \left(\sum_{j=1}^n w_{i,j} \right)^2}{n-1}}}$$

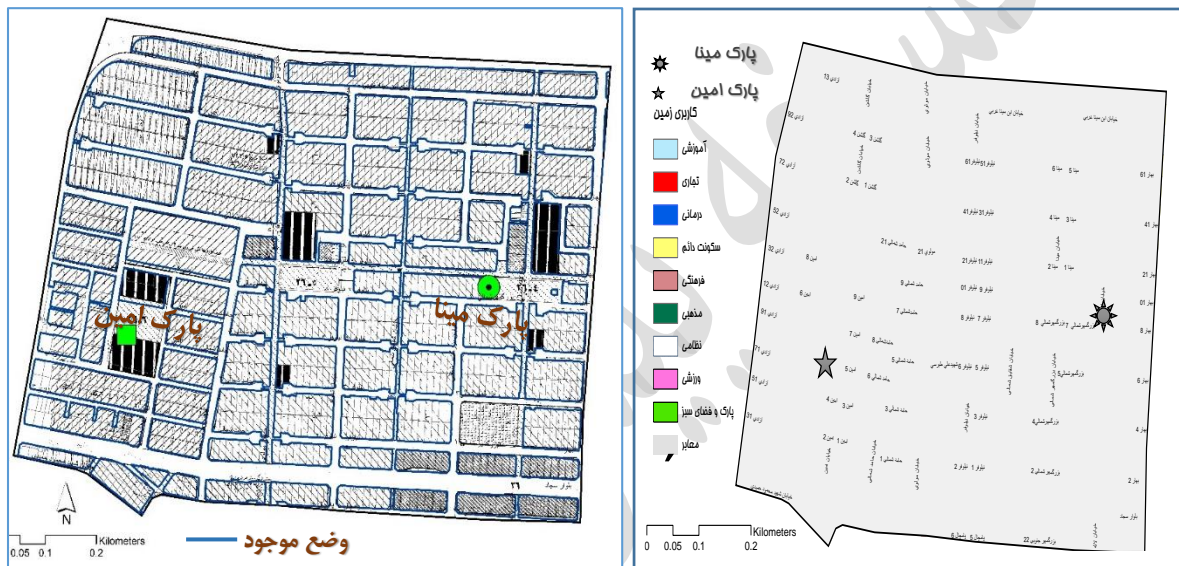
ج) چیدمان فضایی: مجموعه ای از نظریه ها و فنون مربوط به تحلیل پیکره بندی فضایی را در بر می گیرد. این روش از دهه ۱۹۸۰ به عنوان ابزاری برای کمک به برنامه ریزان شهری برای شبیه سازی اثرات اجتماعی احتمالی طرح های خود مطرح شد. و سعی می شود از طریق گرافها و نقشه ها، میزان انسجام و یکپارچگی آن را مشخص کند. مهم ترین مفاهیم محوری تکنیک چیدمان فضا بشرح زیر است (عباس زادگان، ۱۳۸۱، ۶۸):

- ترتیب فضایی: مشخص می کند که هرگونه تغییر در اجزا و چیدمان فضا تغییراتی را بر روی کلیت فضایی ایجاد خواهد کرد
- اتصال: ارتباط فضایی و نشان دهنده میزان ارتباط محورها و گره ها با دیگر گره های واحد همسایگی خود می باشد
- عمق: تعداد فضاهایی است که برای رسیدن از یک فضا به فضای دیگر می بایست طی نمود و نشان دهنده میزان جداگیزی یک فضا از فضاهای شهری است
- کنترل: می تواند اندازه قدرت نسبی خط محوری را در جذب پتانسیل از همسایگی هایش تعریف کند
- نقشه محوری: نموداری ساده شده از خیابانها و فضاهای باز شهری است که از خطوط محوری شکل یافته است
- همپوندی: اصلی ترین مفهوم چیدمان فضا است و میانگین تعداد خطوط واسطه ای است که بتوان از آن به تمام فضاهای شهر رسید

۳- یافته‌ها

۳-۱- بررسی طرح تفصیلی و کاربری موجود محدوده

محلہ سجاد مشهد در دوران پهلوی اول بصورت باغهای سرسبز بود که به حسین ملک تعلق داشت. این محدوده در طرح جامع اول شهر مشهد به عنوان بخشی از محدوده جدید پس از دهه ۱۳۵۰، به محدوده شهری اضافه شد و به دنبال آن طرح تفصیلی محله تهیه و به تصویب رسید. بررسی طرح تفصیلی این محدوده نشان از تحقق نسبتاً کامل آن در وضع موجود دارد به گونه‌ای که الگوی شبکه معابر، قطعات کاربریها و فضاهای خدماتی محله در وضع موجود کاملاً منطبق با طرح تفصیلی است (شکل ۲). در وضع موجود ترکیبی از کاربریهای مختلف در سطح محله مشاهده می‌شود. جدول کاربریهای محله را در وضع موجود نشان می‌دهد.



شکل ۲- طرح تفصیلی محله سجاد (سمت چپ) و انطباق آن با وضع موجود (سمت راست)

جدول ۱- کاربری اراضی محدوده مورد مطالعه

| کاربری | وسعت (مترمربع) | درصد |
|------------------------|----------------|-------|
| اداری | ۲۲۲۷ | ۰,۳۵ |
| آموزش، تحقیقات، فناوری | ۸۶۱۵ | ۱,۳۶ |
| آموزشی | ۲۳۸۲۱ | ۳,۷۵ |
| پارک و فضای سبز | ۲۳۴۹۴ | ۳,۷۰ |
| تاسیسات شهری | ۵۲۰۲ | ۰,۸۲ |
| تجاری | ۵۸۹۲۲ | ۹,۲۷ |
| درمانی | ۱۱۳۶۲ | ۱,۷۹ |
| سکونت دائم | ۴۵۰۵۱۴ | ۷۰,۹۱ |
| غیر قابل طبقه بندی | ۲۸۷۲۶ | ۴,۵۲ |
| فرهنگی | ۲۷ | ۰,۰۱ |
| مختلط | ۲۰۷ | ۰,۰۳ |
| مذهبی | ۱۵۵۸ | ۰,۲۵ |
| ورزشی | ۲۰۶۶۱ | ۳,۲۵ |
| جمع | ۶۳۵۳۶۲ | ۱۰۰ |

۳-۲- یافته های توصیفی

باتوجه به نتایج حاصله از پرسشنامه یافته‌های توصیفی بیانگر آن است که از نظر جنسیت: در واحد همسایگی مینا ۴۵/۵٪ مرد، ۵۴/۵٪ زن و در واحد همسایگی امین ۴۷/۲٪ مرد، ۵۲/۸٪ زن بوده‌اند. از نظر گروههای سنی نتایج بیانگر آن است که عمده پاسخگویان در گروه سنی ۳۰-۵۰ سال قرار دارند (۳۵٪). شاخص تحصیلات نیز نشان می‌دهد که تحصیلات بادرجه کارشناسی بیشترین فراوانی را در بین ساکنین نشان می‌دهد (۳۶٪). شاخص سابقه سکونت نیز بیانگر آن است که بیشتر افراد سابقه‌ای بین ۱ تا ۵ سال دارند. ۳۵٪ افراد در این رده قرار دارند. که می‌تواند نشانی از سابقه کم سکونت در محدوده باشد.

۳-۳- بررسی وضعیت حضورپذیری واحدهای همسایگی امین و مینا

نتیجه و برآیند معیارهای گوناگون می‌بایست تقویت حضورپذیری در فضای عمومی را به همراه داشته باشد. در این مرحله از مطالعه ضمن بررسی وضعیت حضورپذیری در دو واحد همسایگی، اقدام به نمایش تفاوتها و شباهتهای موجود پرداخته می‌شود. برای این منظور با تکیه بر پرسشنامه، نحوه حضور ساکنین در فضا مورد ارزیابی قرار گرفت (شکل ۳):



شکل ۳- وضعیت حضورپذیری فضا در واحدهای همسایگی امین و مینا در محله سجاد مشهد

برآیند کلی ناشی از مقایسه تمایل به حضورپذیری در واحدهای همسایگی مینا و امین نشان دهنده جایگاه مناسب واحد همسایگی مینا در مقایسه با امین است. استفاده از آزمون یومن وایت نی نیز نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین متغیرهای یاد شده در بین دو واحد همسایگی وجود دارد (جدول ۲).

جدول ۲- وضعیت حضورپذیری فضا در واحدهای همسایگی مین و مینا براساس آزمون یومن وایت نی

| متغیر | مدت زمان حضور از فضا | دفعات استفاده در هفته | پیشنهاد به دیگران | دوره های دوستانه |
|--------------------|----------------------|-----------------------|-------------------|------------------|
| آزمون یومن وایت نی | ۷۵۶۱,۵ | ۱۱۸۶۳,۰۰ | ۸۷۸۳,۰۰ | ۱۱۷۷۴,۰۰ |
| مقدار Z | -۹,۱۱۲ | -۴,۲۱۸ | -۷,۴۹۹ | -۴,۲۸۸ |
| سطح معناداری | .000 | .000 | .000 | .000 |

باتوجه به مطالب یادشده می‌توان به وجود تفاوت‌های درون محلی در خصوص اجتماع‌پذیری فضاهای شهری پی‌برد. امری که شاید در نگاه اول چندان محتمل به نظر نرسد. از اینرو ارزیابی دقیق معیارهای مرتبط با اجتماع‌پذیری می‌تواند درک بهتری از این موضوع را ارائه کند و نشان دهد که چگونه در مقیاسهای محلی این عوامل جایگاه متفاوتی را نشان می‌دهند و از ره‌آورد آن، ضعفهای مرتبط با این موضوع آشکار گردد. در ادامه به ارزیابی عواملی که می‌توانند در این تفاوت اثرگذار باشند پرداخته می‌شود.

۳-۴- بررسی معیارهای اجتماع پذیری فضا در محله سجاد

الف) معیارهای عملکردی

بخش مهمی از موفقیت فضاهای عمومی در حضورپذیری به شاخصهای مرتبط با عامل عملکردی و فعالیت برمی گردد. شاخصهایی مرتبط با تنوع کارکردی و فعالیتی، اختلاط و تنوع کاربریها از مهمترین معیارهای اثرگذار در این خصوص به شمار می آیند.

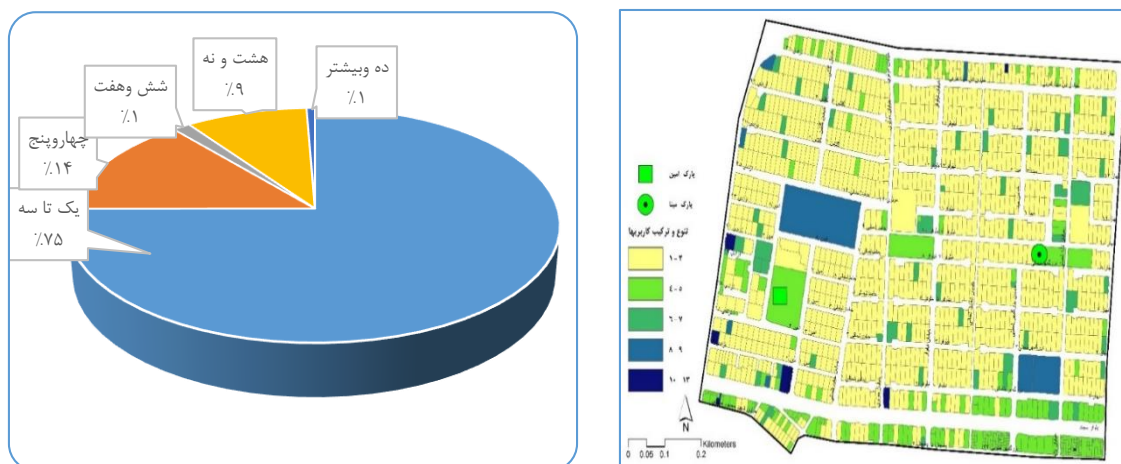
جهت بررسی معیارهای اجتماع پذیری در محدوده مورد مطالعه با استفاده از پرسشنامه و همچنین لایه های اطلاعاتی و با بهره گیری از روشهای تحلیل فضایی و آماری سعی در نمایش تفاوت های موجود در این خصوص شده است. نتایج این ارزیابی به تفکیک شاخصهای مورد نظر نشان می دهد که:

از منظر تنوع کارکرد و فعالیت و بررسی تصویر ذهنی و نگرش ساکنین در واحدهای همسایگی مینا و امین، نشان از تنوع کارکرد و فعالیت حاکم بر آنهاست. طبق ارزیابی به عمل آمده در هر دو واحد همسایگی کارکردهایی همچون: ملاقات با دوستان و ساکنین محل، تعامل با سایر افراد، بازی کودکان، پیاده روی، گذران اوقات فراغت و استراحت، ورزش و محل عبور به مقاصد مختلف (مثل خرید)، از جمله این موارد است (جدول ۳).

جدول ۳- کارکردهای مختلف فضاهای عمومی واحدهای همسایگی امین و مینا از نظر ساکنین (درصد)

| نظرات ساکنین | | | | | | | | | | |
|--------------|------------------|------------------|-----------------|-------------|-----------|---------|------|----------|------|-----------|
| واحد همسایگی | ملاقات با دوستان | ملاقات با ساکنین | گفتگو با دیگران | بازی کودکان | پیاده روی | استراحت | ورزش | محل عبور | خرید | همه موارد |
| مینا | ۴,۵ | ۵,۱ | ۳,۹ | ۱۶,۳ | ۹,۶ | ۶,۲ | ۶,۲ | ۶,۷ | ۰ | ۴۱,۶ |
| امین | ۷,۳ | ۲,۸ | ۱,۱ | ۱۴ | ۸,۴ | ۱۴,۶ | ۵,۱ | ۱۱,۸ | ۶,۲ | ۲۸,۷ |

همچنین از منظر تنوع و اختلاط کاربریها، ضمن بازدید میدانی و همچنین استفاده از تابع آماره کانونی (Focal Statistics) مشخص شد که در ۷۵٪ وسعت محدوده، تنوع کاربریها بین یک تا سه کاربری است و در ۱۰٪ محدوده این میزان بیش از ۸ کاربری می باشد. نتایج شاخص اختلاط کاربری نشان می دهد که فضاهای عمومی همچون پارکهای همسایگی امین و مینا در این طبقه بندی جایگاه مناسبی را ندارند (بین ۴ تا ۵ کاربری). بالاترین شاخص تنوع کاربری اختصاص به فضاهای آموزشی و کاربریهای تجاری مجاور بلوار سجاد دارد (شکل ۴).



شکل ۴- پراکنش فضایی (سمت راست) و فراوانی (سمت چپ) شاخص تنوع کاربریها در محدوده مورد بر حسب آماره (focal statistics)

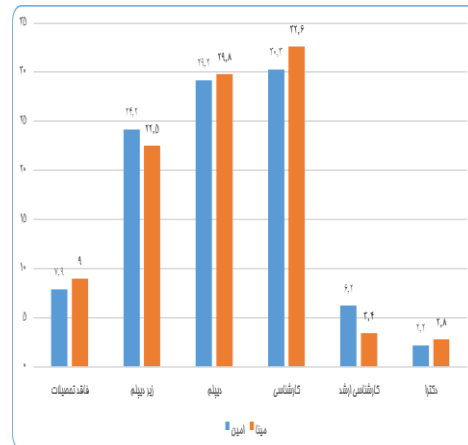
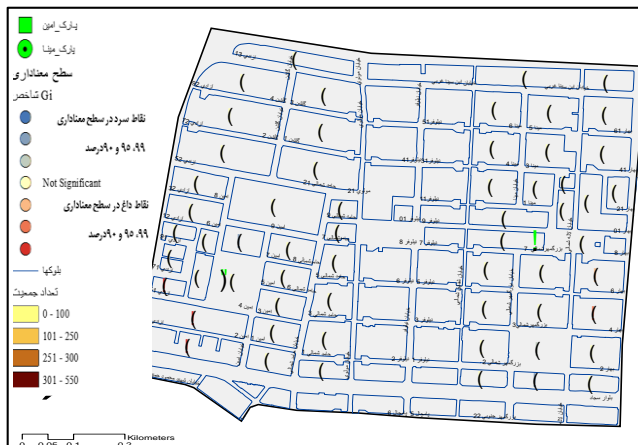
در مجموع نتایج بررسی بیانگر عدم تفاوت ویژه بین جایگاه واحدهای همسایگی در مقایسه با یکدیگر در خصوص معیارهای عملکردی است.

ب) بررسی معیارهای جمعیتی- اجتماعی

متغیرهای مورد بررسی در این زمینه شامل جمعیت و توزیع آن، سطح تحصیلات ساکنین، میزان احساس آرامش ساکنین و میزان مشارکت مردمی است.

شاخص توزیع جمعیت در سطح محله بیانگر توزیع یکنواخت آن است. به استثنای چند بلوک، توزیع جمعیت در سایر بلوکها تفاوت چندانی را باهم نشان نمی‌دهد. همانطور که در شکل زیر شاخص عمومی Gi توزیع جمعیت در سطح محدوده را نشان می‌دهد بیانگر توزیع یکنواخت و فاقد تفاوت معنادار در این خصوص است. در مقام مقایسه بین واحدهای همسایگی امین و مینا نیز می‌توان عنوان کرد که تفاوت‌های فضایی آشکاری در این خصوص مشاهده نمی‌شود (شکل ۵).

همچنین بررسی وضعیت سطح تحصیلات (بعنوان یکی از معیارهای مهم اجتماع‌پذیری) با بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه، بیانگر وجود گروه‌های مختلف با درجات تحصیلی متفاوت در سطح واحدهای همسایگی است. در این بین سطح تحصیلات کارشناسی بیشترین فراوانی را نشان می‌دهد. همچنین آزمون یومن وایت نی با مقدار ۰,۱۴۱ در سطح ۰,۸۸۸ عدم تفاوت معناداری بین واحدهای همسایگی محله را نشان می‌دهد (شکل ۵).



شکل ۵- توزیع جمعیت بر اساس شاخص G_i (سمت چپ) و سطح تحصیلات ساکنین (سمت راست) محدوده مورد مطالعه

میزان آرامش: در نظر ساکنین واحدهای همسایگی محله، تفاوتی از حیث این شاخص مشاهده می‌شود. همانطور که جدول زیر نتایج این بررسی را نشان می‌دهد واحد همسایگی مینا شرایط بهتری را دارد. با اینحال نتایج آزمون یومن-وایت‌نی، تفاوت معناداری را بین دو واحد همسایگی تایید نمی‌کند (جدول ۴). مشارکت مردمی و ارتباط ساکنین با یکدیگر: بررسی شاخص مشارکت ساکنین در امور محله و همچنین وضعیت ارتباط همسایگان با یکدیگر و مقایسه آنها با هم در واحدهای همسایگی محله نیز تفاوت فاحشی را بین آنها نشان نمی‌دهد. همچنین ارزیابی اطلاعات در این خصوص با بهره‌گیری از آزمون یومن وایت‌نی نیز بیانگر عدم تفاوت معنادار بین واحدهای همسایگی مورد بررسی است (جدول ۴).

جدول ۴- مشارکت ساکنین در امور محله و میزان آرامش ساکنین در واحدهای همسایگی محله سجاد مشهد

| میزان آرامش | معیار | واحد همسایگی | نظرات ساکنین | | | | مقدار Z | آزمون یومن وایت‌نی |
|-------------|--------------|--------------|--------------|-------|---------|-------|---------|--------------------|
| | | | کلاماً موافق | موافق | بینابین | مخالف | | |
| ۰,۳۸۰ | مشارکت مردمی | مینا | ۱۲,۴ | ۲۳ | ۳۳,۷ | ۲۰,۳ | ۰,۱۷۷ | ۰,۳۸۰ |
| | | امین | ۶,۷ | ۲۳,۶ | ۲۷ | ۳۲ | | |
| ۰,۱۵۴ | میزان آرامش | مینا | ۹,۶ | ۸,۴ | ۱۹,۱ | ۴۲,۱ | ۱,۴۲۵ | ۰,۱۵۴ |
| | | امین | ۷,۳ | ۱۰,۷ | ۲۷ | ۴۳,۸ | | |

ج) بررسی معیارهای کالبدی

معیارهای کاربری مورد بررسی در این زمینه شامل نوع کاربری، موقعیت و فاصله، نوع راه، تسهیلات و مبلمان شهری است.

نوع کاربری: کاربریهای این محدوده تنوعی از فضاهای مختلف را شامل می‌شود. شکل ۲ کاربریهای محدوده و نحوه پراکنش آنها را نشان می‌دهد. از نظر سطح بهره‌مندی، واحدهمسایگی امین شرایط بهتری را نشان می‌دهد. واحدهمسایگی مینا فاقد فضاهای مذهبی و ورزشی است. همچنین در این واحد همسایگی، شاخص سرانه در مقایسه با واحدهمسایگی امین، شرایط نامناسبتری دارد (جدول ۵)

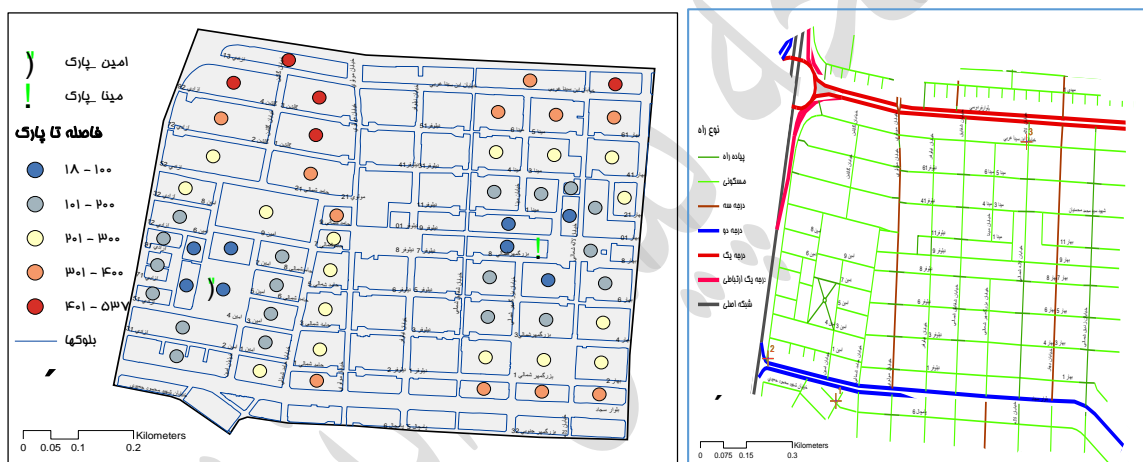
جدول ۵- کاربری اراضی محدوده مورد مطالعه به تفکیک واحدهای همسایگی امین و مینا

| کاربری | وسعت | | سرانه | |
|------------------------|--------|--------|-------|-------|
| | امین | مینا | امین | مینا |
| اداری | ۱۳۷۴ | ۱۸۲ | ۰.۴۸ | ۰.۰۶ |
| آموزش، تحقیقات، فناوری | ۴۳۵۸ | ۲۲۶۸ | ۱.۵۴ | ۰.۷۳ |
| آموزشی | ۶۴۴۳ | ۷۹۵۳ | ۲.۲۷ | ۲.۵۷ |
| پارک و فضای سبز | ۱۲۷۲۷ | ۵۰۱۹ | ۴.۴۹ | ۱.۶۲ |
| تاسیسات شهری | ۱۱۵۹ | ۳۸۱۷ | ۰.۴۱ | ۱.۲۳ |
| تجاری | ۱۸۰۱۴ | ۳۰۱۲۵ | ۶.۳۵ | ۹.۷۲ |
| درمانی | ۲۰۹۳ | ۸۸۵۹ | ۰.۷۴ | ۲.۸۶ |
| سکونت دائم | ۱۸۸۹۱۵ | ۱۴۸۸۴۵ | ۶۶.۶۱ | ۴۸.۰۱ |
| غیر قابل طبقه بندی | ۹۹۹۰ | ۱۲۶۳۸ | ۳.۵۲ | ۴.۰۸ |
| مختلط | ۲۰۷ | ۰ | ۰.۰۷ | ۰.۰۰ |
| مذهبی | ۱۵۵۸ | ۰ | ۰.۵۵ | ۰.۰۰ |
| ورزشی | ۲۰۶۶۲ | ۰ | ۷.۲۹ | ۰.۰۰ |
| فرهنگی | ۰ | ۳۸ | ۰.۰۰ | ۰.۰۱ |
| جمع | ۲۶۷۵۰۱ | ۲۱۹۷۴۳ | ۹۴.۳۲ | ۷۰.۸۸ |

موقعیت و فاصله: موقعیت قرار گیری و نسبت فاصله محدوده نسبت به پارکهای مورد نظر با استفاده از تابع Near در محیط نرم افزار ArcGis نشان می‌دهد که شاخص میانگین فاصله واحدهای مسکونی از پارک امین معادل ۲۳۲ متر و برای پارک مینا نیز ۲۲۰ متر است. که در حد مناسبی برای پارک همسایگی محسوب می‌شود و از سوی دیگر نشان می‌دهد که تفاوت زیادی بین دو پارک از این نظر وجود ندارد. همچنین بررسی نظرات ساکنین در هر دو واحد همسایگی نیز موید این مطلب است. میانگین نظرات ساکنین در خصوص مسافت و فاصله به پارک مینا معادل ۴,۳۷ و برای پارک امین معادل ۴,۲۲ (معادل خوب و بسیار خوب) محاسبه شده

است. استفاده از آزمون یومن وایت نی در خصوص نظرات ساکنین در هر دو واحد همسایگی با میزان ۲,۰۵۱ و سطح معناداری ۰,۰۶، بیانگر عدم تفاوت معنادار نظرات ساکنین در این خصوص است (شکل ۶).

نوع راهها: محدوده مورد مطالعه به لحاظ استخوان بندی و وضعیت شریانهای ارتباطی شامل یک شبکه هفت سطحی است. در پایین ترین سطح، پیاده راهها قرار دارند. دسترسهای واقع در بین واحدهای مسکونی، سطح بعدی را شامل می شود. که عمده معابر محدوده از این نوع هستند. دو محور خیابان مولوی و بهار با جهت شمالی جنوبی به عنوان معابر درجه سه محدوده به شمار می آیند که ارتباط بین دسترسهای واقع در محدوده های مسکونی را برقرار می کند. محور بلوار سجاد در جنوب به عنوان شریانی درجه دو، محور بلوار فردوسی در شمال به عنوان محور درجه یک و بزرگراه آزادی در غرب به عنوان شریان اصلی شناخته می شود. در محدوده پارکهای مورد مطالعه درجه بندی راهها تفاوت چندانی با هم نشان نمی دهد هر دو پارک در محدوده راههای مسکونی قرار دارند و در سطح بالاتر به معابر درجه سه پیرامونی ارتباط دارند (شکل ۶).



شکل ۶- سلسله مراتب و نوع شبکه معابر در محله سجاد (راست) و میزان فاصله به پارکهای محدوده

برحسب تابع Near (چپ)

تسهیلات و خدمات موجود و ادراک زیبایی: از دیگر معیارهایی که می تواند نقش مهمی در تفاوت حضور ساکنین داشته باشد تسهیلات و خدمات موجود در فضا اعم از مبلمان، پوشش گیاهی، سرویس بهداشتی و... است. در هر دو واحد همسایگی زمین بازی کودکان، سرویس بهداشتی، و سایر مبلمان مورد نیاز قابل دسترس هستند. با پیمایش صورت گرفته در فضای واحدهای همسایگی، عناصر مهم و موقعیت تقریبی هر یک مشخص گردید که شکل ۷ این موضوع را نشان می دهد.



شکل ۷- تسهیلات و خدمات موجود در پارکهای محله سجاد به تفکیک واحدهای همسایگی

به منظور مقایسه وضعیت واحدهای همسایگی مورد نظر، همچنین اقدام به سنجش نظرات ساکنین شده است. نتایج این بررسی بیانگر رضایت بیشتر ساکنین واحد همسایگی مینا در مقایسه با واحد همسایگی امین است. از سوی دیگر آزمون یومن وایت نی نیز تفاوت معنادار بین نظرات ساکنین را تایید می کند (جدول ۶).

جدول ۶- نگرش ساکنین به خدمات و تسهیلات موجود در پارکهای محله سجاد بر حسب واحدهای همسایگی

| آزمون یومن وایت نی | | نظرات ساکنین | | | | | واحد همسایگی |
|--------------------|-------|--------------|--------------|-------|---------|-------|--------------|
| | | مقدار Z | کاملاً مخالف | مخالف | بینابین | موافق | |
| ۰,۰۰۱۸ | ۲,۳۵۷ | ۲,۵ | ۱۹,۷ | ۱۶,۳ | ۴۲,۷ | ۱۴ | مینا |
| | | ۱,۱ | ۳۷,۱ | ۲۱,۹ | ۲۸,۷ | ۱۱,۲ | امین |

د) معیارهای چیدمان فضایی

معیارهای چیدمان فضایی نقش مهمی در اجتماع پذیری فضا دارند. در این راستا به منظور سنجش ابعاد اجتماع پذیری فضا از شاخصهای پیکره بندی فضا در قالب الگوی چیدمان فضایی استفاده شده است. معیارهای

مهم در این خصوص شامل شاخص ارتباط و اتصال پذیری، انتخاب و حرکت طبیعی، همپیوندی و انسجام، طول مسیر و شاخص میانگین عمق می باشد. نتایج محاسبات انجام شده با استفاده از گرافهای تهیه شده به شرح زیر است:

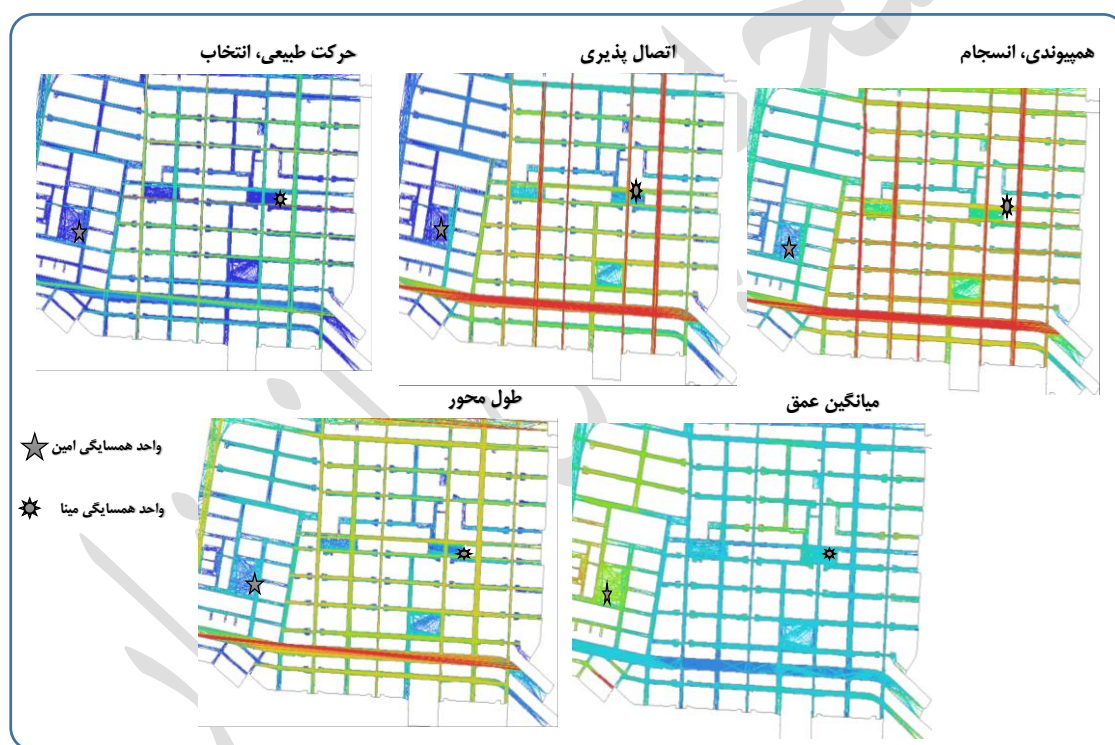
۱- شاخص ارتباط و اتصال پذیری: ارزیابی شاخص اتصال و ارتباط در کل محله و همچنین واحدهای همسایگی مینا و امین نشان می دهد که بالاترین میزان ارتباط و اتصال پذیری اختصاص به محور بلوار سجاد دارد. این شاخص در محدوده واحد همسایگی امین و مینا وضعیت متفاوتی را نشان می دهد. در مجموع وضعیت واحد مینا در مقایسه با واحد امین مناسب تر است. میانگین این شاخص در سطح منطقه ۶,۲۰ و حداکثر آن ۱۶ است در حالیکه مقدار آن در واحدهمساایگی مینا معادل ۶ و امین معادل ۴ محاسبه شده است. با تکیه بر محاسبات و مقادیر به دست آمده می توان عنوان کرد که واحد همسایگی مینا گزینه های بیشتری را جهت حرکت و انتخاب مسیر فراهم می کند. همچنین ارتباط بیشتر با محدوده پیرامون، افزایش میزان تحرک و افزایش تعداد همسایگان را نشان می دهد. در مجموع این شرایط سبب افزایش شناخت فضاهای جمعی و تسهیل در گردش در واحد همسایگی مینا را به همراه داشته است (شکل ۸).

۲- شاخص انتخاب و حرکت طبیعی: بررسی این شاخص در محدوده حاکی از آن دارد که بیشترین انتخاب، اختصاص به بلوار سجاد، خیابان بهار و مولوی است. در حالیکه وضعیت واحد همسایگی مینا و امین نشان دهنده جایگاه نازل آنهاست. در طبقه بندی صورت گرفته واحدهای مزبور در پایین درجه قرار گرفته اند. در مجموع میانگین این شاخص در سطح محدوده معادل ۹۵,۸ است در حالیکه این شاخص برای محلات امین و مینا به ترتیب معادل ۰,۰۰۶۲ و ۴ است. پایین بودن مقدار شاخص انتخاب برای فضاهای عمومی واحدهای همسایگی مورد نظر، کاهش میزان حرکت طبیعی ساکنین در فضا را به همراه دارد. البته در جایگاه مقایسه، وضعیت واحد همسایگی مینا شرایط بهتری را در مقایسه با واحد همسایگی امین نشان می دهد (شکل ۸).

۳- شاخص همپیوندی و انسجام: این شاخص میزان جداافتادگی فضای شهری و هم حضوری را نشان می دهد. و آن را می توان بهترین معیار جهت اجتماع پذیری فضا به شمار آورد. بهترین وضعیت همپیوندی در سطح محدوده اختصاص به بلوار سجاد، خیابانهای مولوی و بهار دارد میانگین شاخص در سطح محدوده معادل ۲,۱۳ است. با اینحال واحدهای همسایگی مینا و امین وضعیت متفاوتی را نشان می دهند در حالیکه واحد همسایگی مینا با شاخص همپیوندی ۲,۰۳ مقداری نزدیک به میانگین را نشان می دهد اما واحد همسایگی امین با مقدار ۱,۶۵۵ وضعیت مناسبی را در این خصوص نشان نمی دهد. با توجه به محاسبات صورت گرفته و مقادیر به دست آمده می توان عنوان کرد که فضاهای عمومی واحد همسایگی امین دچار جداافتادگی از سیستم کلی محله شده است. و سطح یکپارچگی کمتری را نشان می دهد. دسترسی دشوارتر و عدم عجزین شدگی با سیستم کلی، از نتایج مهم حاصل از این معیار برای واحد همسایگی امین در مقایسه با مینا است (شکل ۸).

۴- شاخص طول مسیر: میانگین این شاخص در سطح محدوده ۵۰۳ است این میزان برای واحدهای همسایگی مینا و امین تفاوت زیادی باهم را نشان نمی‌دهد به گونه‌ای که به ترتیب مقدار ۲۴۵ و ۲۴۲ را نشان می‌دهد (شکل ۸).

۵- شاخص میانگین عمق: این شاخص میزان دورافتادگی و میزان پرت بودن فضاهای شهری را نشان می‌دهد. میانگین این شاخص در سطح منطقه ۲,۶۸ است از این نظر محله مینا وضعیت بهتری را در مقایسه با میانگین محدوده نشان می‌دهد این مقدار برای این محله معادل ۲,۶۶ است در حالیکه شاخص عمق برای محله امین معادل ۳,۰۵ است. محاسبات انجام شده بر حسب این شاخص، مشکل دسترسی برای فضاهای عمومی واحد همسایگی امین را در مقایسه با مینا نشان می‌دهد. از سوی دیگر این معیار سبب سوت و کور شدن و کاهش حس امنیت در محیط را نیز به همراه دارد (شکل ۸).



شکل ۸- گرافهای تهیه شده از معیارهای چیدمان فضایی در محدوده مورد مطالعه

همچنین جدول ۷ وضعیت پارامترهای چیدمان فضا را در واحدهای همسایگی مینا و امین و کل محدوده نشان می‌دهد.

جدول ۷- وضعیت پارامترهای چیدمان فضا در محدوده مورد مطالعه

| شاخص | انتخاب، حرکت طبیعی | | اتصال پذیری | همپیوندی، انسجام | طول مسیر | میانگین عمق |
|--------------|--------------------|---------|-------------|------------------|----------|-------------|
| | حداکثر | میانگین | | | | |
| کل محدوده | ۷۹۰ | ۱۶ | ۳,۷۹ | ۱۳۳۹,۴۹ | ۳,۵۰ | |
| | ۹۵,۱۲۷ | ۶,۲۰ | ۲,۱۳ | ۵۰۳,۶۶ | ۲,۶۸ | |
| همسایگی امین | ۰,۰۰۶۲۶۵۶۶ | ۴ | ۱,۶۵۵ | ۲۴۲,۲۲ | ۳,۰۵ | |
| همسایگی مینا | ۴ | ۶ | ۲,۰۳ | ۲۴۵,۴ | ۲,۶۶ | |

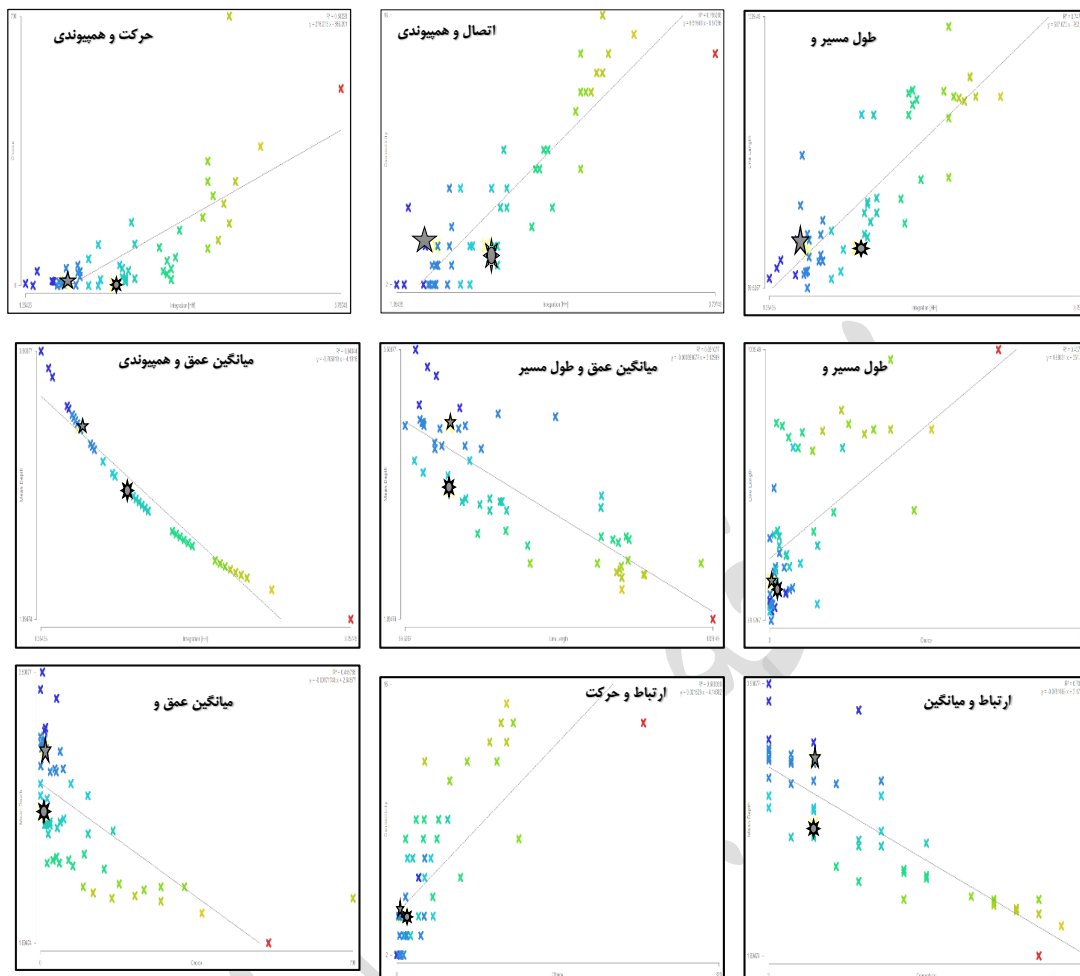
نتایج حاصل از گرافهای تحلیل چیدمان نشان می‌دهد که شاخصهای پیکره بندی فضا در محدوده واحدهای همسایگی امین و مینا در مقایسه با وضعیت کل محدوده شرایط مناسبی را نشان نمی‌دهد. البته در مقایسه واحدهای همسایگی با یکدیگر، همانطور که نتایج نشان داد، واحد همسایگی مینا وضعیت بهتری را نشان می‌دهد. و در برخی پارامترها حتی در سطح میانگین محدوده نیز می‌باشد.

ارتباط شاخصهای چیدمان فضا با یکدیگر در محدوده مورد مطالعه: بهره‌گیری از نمودارهای پراکنش از ارتباط پارامترهای تحلیل فضا و وضعیت واحدهای همسایگی حاکی از ارتباط مناسب شاخص همپیوندی با معیارهای اتصال، طول مسیر و میانگین عمق است. در این خصوص نقطه ضعف محدوده، ارتباط ضعیف این شاخص با شاخص انتخاب(حرکت) است. از سوی دیگر شاخص ارتباط و اتصال نیز رابطه خوبی را شاخص طول مسیر و میانگین عمق نشان می‌دهد(جدول ۸).

جدول ۸- نحوه ارتباط معیارهای چیدمان فضایی با یکدیگر در محدوده مورد مطالعه

| همپیوندی | انتخاب(حرکت) | | اتصال | | طول مسیر | | میانگین عمق | |
|--------------|--------------|--------|-------|--------|----------|--------|-------------|--------|
| | نوع | ضریب | نوع | ضریب | نوع | ضریب | نوع | ضریب |
| همپیوندی | رابطه | مربوطه | رابطه | مربوطه | رابطه | مربوطه | رابطه | مربوطه |
| | | | | | | | | |
| انتخاب(حرکت) | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| اتصال | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| طول مسیر | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| میانگین عمق | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |

با توجه به اینکه جدول فوق ارتباط شاخصها را در سطح محله نشان می‌دهد به منظور درک جایگاه واحدهای همسایگی مورد مطالعه در این ارتباط، اقدام به تهیه نمودار پراکنش از فضاهای عمومی محله به تفکیک شده است. که در آن واحدهای همسایگی امین و مینا مشخص شده‌اند. همانطور که نمودارهای تهیه شده نشان می‌دهند، واحدهای همسایگی مورد مطالعه جایگاه مناسبی در مقایسه با سطح محله ندارند.



شکل ۹- ارتباط دوسویه معیارهای چیدمان فضایی در محدوده مورد مطالعه

۴- بحث

نتایج این مطالعه نشان داد علی‌رغم اینکه محله‌سجاد دارای الگوی کالبدی برنامه‌ریزی شده است، اما وضعیت حضورپذیری در واحدهای همسایگی آن (مینا و امین) شرایط متفاوتی دارد و در این بین واحد همسایگی مینا، نسبت به واحد همسایگی امین وضعیت بهتری دارد. این بدان معنی است که، داشتن طرح تفصیلی الزاما به معنای عدم پذیرش تفاوت‌های درون محلی نیست و فضاهای عمومی در سطح محلات، به شدت از موضوعات محلی متأثر می‌شوند.

با نگاهی به وضعیت معیارهای اجتماع‌پذیری فضا در محدوده مورد مطالعه، می‌توان آنها را از منظری دیگر به دو دسته طبقه‌بندی کرد. دسته اول شامل معیارهایی است که تفاوت معناداری را در سطح محله نشان نمی‌دهند و توزیع و بهره‌مندی محله از آنها به شکل یکسان است. این معیارها شامل توزیع جمعیت، پراکنش کاربری‌ها، سلسله مراتب راهها، موقعیت و میزان فاصله به فضاهای عمومی است. در مقابل دسته دوم شامل معیارهایی

است که تفاوت معناداری در وضعیت آنها در سطح محله قابل مشاهده است. معیارهای مرتبط با این دسته شامل کیفیت مبلمان شهری و تجهیزات مرتبط با آن و همچنین معیارهای مرتبط با چیدمان فضایی می باشد. با توجه به ماهیت معیارهای هر دسته، گروه اول را می توان شامل معیارهایی دانست که شاکله اصلی محله را شکل می دهند، همچون خیابانها و کاربریها. این معیارها، "معیارهای زمینه ای" نیز قابل نامگذاری اند که به شدت متاثر از طرح های کالبدی هستند. گروه دوم دربردارنده معیارهایی است که همچون جامه ای، ظاهر موضوع را آرایش می کند. از اینرو می توان آنها را معیارهای آرایشی اطلاق کرد. تغییر در این معیارها برخلاف معیارهای دسته اول، در مدت زمان کوتاهی امکان پذیر است. البته در این دسته، معیارهای چیدمان فضایی نیز قرار می گیرند که ماهیتی جداگانه دارند.

بنابراین باید چنین عنوان داشت که طرح های توسعه کالبدی به دلیل اتخاذ رویکرد واحد و مشخص، شکل دهنده بستر و شاکله ای هستند که برآیند این شاکله، عدم تفاوت مشخص در بهره مندی فضای محله از معیارهای زمینه ای اجتماع پذیری است. در چنین شرایطی، این معیارها، جایگاه برجسته ای در تفاوت های اجتماع پذیری فضاهای عمومی ندارند. در حالیکه معیارهای آرایشی ناشی از تغییرات چهره ظاهری محله، وجه اثرگذاری مهم تری در این خصوص دارا هستند. از این رو موفقیت فضاهای عمومی در خصوص حضورپذیری شهروندان در این محلات، متاثر از معیارهای آرایشی است. درک این موضوع می تواند به ارتقای جایگاه فضاهای عمومی و نقش آنها در حضورپذیری کمک شایانی کند و آسیب شناسی دقیقتری از چالش های فراروی آنها نشان دهد. همانطور که یافته ها نشان داد شاخص اجتماع پذیری فضا در واحد همسایگی مینا بیشتر از واحد امین است. بررسی معیارهای مختلف بیانگر آن است که تنوع کارکرد در واحد همسایگی مینا بهتر از امین است که نتایج (Mosallanejad, Movahed, & keshmiri, 2020) را تایید می کند. شاخص آرامش نیز بیانگر جایگاه بهتر واحد مینا در مقایسه با امین است که همراستا با نتایج (Moradi Masihi, Modiri, & Rashidpour, 2015) و (دانشپور & چرخچیان, ۱۳۸۶) است. شاخص فاصله نیز بیانگر وضعیت مناسب هر دو واحد همسایگی از این حیث است که نتایج پژوهش (Mosallanejad, Movahed, & keshmiri, 2020)، (Taghipour & Bagheri, 2020) و (Jalaladdini & Oktay, 2012) را تایید می کند. بررسی وضعیت مبلمان، روشنایی و کیفیت فضا نشان داد که واحد همسایگی امین کیفیت نامناسبتری را نشان می دهد. که اثر آن بر اجتماع گریزی فضا در راستای یافته های (Peng & Maing, 2021) و (Avalone Neto, Jeong, & Munakata, 2016) است. نتایج یافته های (Gomes, 2012)، عسکری زاده و صفری (۲۰۲۰) در خصوص فرم و نحوه چیدمان فضا یافته های مطالعه و جایگاه مناسب تر واحد همسایگی مینا را تایید کرد. عدم تنوع و اختلاط کاربریها از جمله نارسائیهای محدوده است که در مطالعات (Mosallanejad, Movahed, & keshmiri, 2020) و (مظفر، مسعود و راست بین ۱۳۹۱) مورد تاکید قرار گرفته است. با اینحال این معیار در مقیاسهای محلی به سمت تنوع کارکرد فضا تغییر می کند.

دستاوردهای عملی این مطالعه که می‌تواند به منظور ارتقای شرایط اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی مورد استفاده قرار گیرد به شکل ویژه شامل:

- توجه به تفاوت‌های درون محلی و شناسایی ابعاد مختلف این تفاوتها
- توجه به ویژگیهای پوسته و ظاهری محله در قالب شیوه‌های آرایش فضا و ضرورت تناسب آن با سلیق ساکنین و ابعاد روانشناختی و ادراکی
- نظر به اهمیت معیارهای چیدمان فضایی در اجتماع‌پذیری، به نظر می‌رسد توجه به این معیارها می‌تواند، نقش اجتماع‌پذیری فضا را در طرحهای کالبدی تقویت کند.

۵- نتیجه‌گیری

این مطالعه سعی داشت تا از منظری ویژه، موضوع اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی شهری را مورد توجه قرار دهد. ضمن بررسی مطالعات پیشین مشخص گردید، ارزیابی معیارهای اجتماع‌پذیری و نمایش تفاوت‌های فضایی در مقیاس محلی و همچون واحدهای همسایگی، کمتر مد نظر محققان بوده است. از سوی دیگر، روند شکل‌گیری فضا براساس طرحهای کالبدی و نقش این طرحها در شکل‌دهی معیارهای اجتماع‌پذیری فضا، نباید از نظر دور بماند. از اینرو تاکید بر مقیاسهای محلی و توجه به بستر کالبدی برنامه‌ریزی شده آن، این تحقیق را برآن داشت تا محله‌سجاد و فضاهای عمومی آن را مورد ارزیابی قرار دهد. نتایج بیانگر وجود تفاوت‌های درون محلی در خصوص اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی آن است. آنچه این مطالعه روشن ساخت، نشان داد که طرحهای کالبدی از پیش برنامه‌ریزی شده، به خوبی می‌توانند، معیارهای زمینه‌ای مرتبط با اجتماع‌پذیری فضا را شکل دهند و از این نظر دارای اهمیت هستند. متهمی مهمترین ضعف این طرحها در این زمینه، جایگاه ناچیز شاخصهای چیدمان فضایی است که پاشنه آشیل طرحهای توسعه کالبدی محسوب می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که معیارهای مرتبط با آرایش فضا و مبلمان شهری به شکل معنادار و اثرگذار می‌توانند، در موفقیت اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی نقش برجسته‌ای داشته باشند. با توجه به یافته‌ها می‌توان چنین استنباط کرد برخلاف محلات دارای طرحهای کالبدی از پیش طراحی شده، در سایر محلات با الگوی رشد خودرو، تفاوت‌های درون محلی در رابطه با اجتماع‌پذیری فضا ابعاد گسترده‌تری را شامل خواهد شد. که می‌بایست به عنوان یک پیش درآمد مهم و یک متغیر مداخله گر مد نظر قرار گیرد.

کتاب نامه

۱. آرام, ف., فریبا, ق., & حبیبی, م. (۱۳۹۶). بررسی نقش فضای سبز بر حضور ساکنین و افزایش تعاملات اجتماعی در محله های دارای بازار دوره ای (نمونه موردی: بازارهای روز شهر همدان). معماری و شهرسازی ایران, ۱۳.
۲. اکبری, ع., & لطفعلیان, ن. (۱۳۹۸). پیاده راه سازی و حضورپذیری فضای شهری به مثابه رویکرد اجتماعی به مدیریت تردد (نمونه موردی: بازارچه طرحانی تهران). پژوهش های انسان شناسی ایران, ۹(۲), ۱۶۷-۱۶۸.
۳. آریان کیا, م., & میرکتولی, ج. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر حضورپذیری و حس رضایت مندی ساکنان محیط های مسکونی از امنیت اجتماعی سکونتگاه های شهر گرگان. مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه ای, ۲: ۱۹-۳۴.
۴. پورجعفر, م., & محمودی نژاد, ه. (۱۳۸۸). طراحی شهری و سرمایه اجتماعی در فضاهای شهری. تهران: طحان.
۵. حسین پور, ع., جاوید, م., & پیرزاد, ب. (۱۳۹۲). فضاهای عمومی شهری از نظریه ها تا فلسفه اندیشی فضایی. مشهد: سخن گستر.
۶. دانشپور, ع., & چرخچیان, م. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات جمعی. باغ نظر, ۷, ۱۹-۲۸.
۷. رحیمی, م., حقیقت, ح., & شهرستانی, س. (۱۳۹۷). حس حضورپذیری در فضا و تأثیر آن بر روحیه فردی سالمندان (تهران). کنفرانس ملی پیشرفت های اخیر در مهندسی و علوم نوین. قرچک: <https://civilica.com/doc/824414>.
۸. رضازاده, ر. (۱۳۹۱). بررسی حضورپذیری زنان در فضاهای شهری. هویت: ۶: ۱۲, ۱۵-۲۶.
۹. رضایی, ح., علی اکبری, ح., یوسف زاده, ن., & گرامی, ع. (۱۳۹۴). ارتقاء حضورپذیری در فضاهای شهری با تأکید بر عنصر رنگ نمونه مورد: خیابان سجاد مشهد. کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در عمران, معماری و شهرسازی. تهران.
۱۰. رضوانی, ل. (۱۳۹۵). فرهنگ و هویت محله. تهران: نشر جامعه شناسان.
۱۱. رفیعیان, م., & سیفایی, م. (۱۳۸۴). (). فضاهای عمومی شهری؛ بازنگری و ارزیابی کیفی. نشریه هنرهای زیبا, ۲۳, ۳۵-۴۲.
۱۲. زمان زاده دربان, ز. (۱۳۹۶). سنخیت شناسی عوامل تأثیرگذار بر «هویت و حس مکان» در سیر تحول «نظریه محله» با رویکرد فرا تحلیل. مدیریت شهری, ۴۸, ۶۵-۸۶.
۱۳. شایان مهر, ع. (۱۳۷۹). دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
۱۴. شجاعی, د., & پرتوی, پ. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس های مختلف شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران). فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشکده هنر, معماری و شهرسازی نظر, ۳۴, ۹۳-۱۰۸.
۱۵. شیرازبخت, ف., & گودرزی, ر. (۱۳۹۹). ارزیابی مسیرهای پیاده در شهر شیراز با رویکرد بهبود حضورپذیری شهروندان (مطالعه موردی: پیاده راه سلامت چمران, قصر الدشت, حسینی الهاشمی). معماری شناسی, ۱۶.
۱۶. صابر, ا., & رضایی, س. (۱۳۹۴). تحلیل خلوت و اجتماع پذیری و ارتباط دو مولفه در پارک های شهری. دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در عمران, معماری و شهرسازی. استانبول- ترکیه.

۱۷. صدیقی, ف., & احمدی رهقی, س. (۱۳۹۵). رفتارشناسی فضای شهری با رویکرد افزایش حضورپذیری. همایش ملی معماری و شهرسازی از نظریه تا عمل .
۱۸. طالبی, ژ. (۱۳۸۳). روابط اجتماعی در فضاهای شهری. نامه‌ی علوم اجتماعی, ۲۴, ۱۶۱-۱۸۰.
۱۹. عظیمی, ف., رضائیان فراگوزلو, ع., & قادری, ا. (۱۳۹۲). مفاهیم کلیدی در مطالعات شهری. تهران: کهنمویی زاده.
۲۰. علیزاده مقدم, س., ذاکریان, م., & تشکری, ب. (۱۳۹۷). بازطراحی مسیر عابر پیاده با رویکرد ارتقاء کیفیت حضورپذیری افراد در بافت تاریخی شهر یزد, نمونه موردی: پیاده روی خیابان فرخی شهر یزد. پژوهش و برنامه ریزی شهری, ۳۴.
۲۱. کربلایی حسینی, ا., & سهیلی, ج. (۱۳۹۷). بررسی نقش مولفه های کالبدی محیط در اجتماع پذیری فضاهای فرهنگی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا, مورد مطالعاتی: مجتمع فرهنگی دزفول و نیاوران. معماری و شهرسازی آرمانشهر, ۲۵, ۳۶۱-۳۷۳.
۲۲. مدنی پور, ع. (۱۳۹۲). تألیف فرهاد مرتضایی. طراحی فضای شهری نگرشی بر فرایند اجتماعی و مکانی, تهران. تهران: انتشارات سازمان فناوری و اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۲۳. مظفر, ف., مسعود, م., & راست‌بین, س. (۱۳۹۱). ارزیابی تاثیرات کیفیت هتی شهری در میزان شاخص سرمایه اجتماعی در بافت های تاریخی (مطالعه موردی: محله جلفای اصفهان). مرمت آثار و بافت های تاریخی, فرهنگی, دو فصلنامه علمی پژوهشی, سال دوم, ۴, ۲۹-۴۶.
۲۴. وحدت, س., & سجادزاده, ح. (۱۳۹۵). بررسی و ارزیابی نقش هنر شهری در افزایش میزان حضورپذیری فضاهای عمومی با تأکید بر گرافیک شهری (نمونه موردی: پارک مردم همدان). دو فصلنامه علمی-ترویجی پژوهش هنر. ۱۱, ۲۵-۳۸.

25. Avalone Neto, O., Jeong, S., & Munakata, J. (2016). Physical Element Effects in Public Space Attendance. *Journal of Asian Architecture and Building Engineering*, 15:3, 479-485.
26. Arasteh, M., Poorhasanzadeh, M., & Alizadeh, R. (2021). Assessing Desirability of Urban Public Spaces for Women's Attendance (Case Study: Zone 1 of Shiraz). *Societal Security Studies*, 11(64), 97-122.
27. Gomes, P. (2012). FACTORS OF GOOD PUBLIC SPACE USE. *Coloquio Ibérico de Geografia. Respuestas de la Geografia Ibérica a la crisis actual.*, Universidade de Santiago de Compostela, 608-618.
28. Habibi, K., Behzadfar, M., & Saidi, M. (2020). Designing a conceptual model for environmental indices influencing the attendancy in urban spaces with an arid and hot climate: A case study of Hakim Street in Isfahan. *The Journal of Geographical Research on Desert Areas*, 8(1), 29-53.
29. Jalaladdini, S., & Oktay, D. (2012). Urban Public Spaces and Vitality: A Socio-Spatial Analysis in the Streets of Cypriot Towns. *Asia Pacific International Conference on Environment-Behaviour Studies*, Salamis Bay Conti Resort Hotel, Famagusta, North Cyprus, 7-9 December 2011 (ص. ۶۶۴ - ۶۷۴). via Mersin 10, Turkey : Eastern Mediterranean University.
30. Karami, I., & Vafaie, A. (2017). The role of place sociability in giving identity to urban spaces: A case study of Safir Omid Boulevard of Astara, Biosci. Biotech. Res. Comm. Special Issue No 1, 276-282.

31. Lin, T.-P. (2009). Thermal perception, adaptation and attendance in a public square in hot and humid regions. *Building and Environment* 44, 2017–2026.
32. Mandeli, K. (2019). Public space and the challenge of urban transformation in cities of emerging economies: Jeddah case study. *Cities*, 95.
33. Moradi Masihi, V., Modiri, A., & Rashidpour, N. (2015). International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning, Vol. 25, No. 2, December 2015. Explanation of functional factors affecting the success of public spaces and providing a model for assessing success through its functional dimension. *International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning*, 25: 2, 120-133.
34. Mosallanejad, A., Movahed, K., & keshmiri, H. (2020). Assessing the environmental and physical factors on youth presence in urban passes (Case Study: Afif Abad Street in Shiraz City). *Motaleate Shahri*, 9(34), 29-44. doi:10.34785/J011.2021.916
35. Peng, S., & Maing, M. (2021). Influential factors of age-friendly neighborhood open space under high-density high-rise housing context in hot weather: A case study of public housing in Hong Kong. *Cities*, 115. doi:10.1016/j.cities.2021.103231
36. Taghipour, M., & Bagheri, M. (2020). Investigating the Influence Quality of Inputs on bazaar Attendance (Case Study: Shiraz Traditional Market). *Motaleate Shahri*, 37.

Assessing the sociability of urban public spaces in neighborhoods with a pre-designed physical model. Case study: Sajjad neighborhood of Mashhad

Abstract

This study intends to investigate the dimensions of space socialization in neighborhoods with a pre-designed physical model in Mashhad city of Iran. The research indicators include 5 categories physical, spacing task, social, and environmental comfort and in 22 variables. The study area was Sajjad neighborhood of Mashhad and the study scale of the neighborhood units located in it include Amin and Mina. In the first step, by completing 385 questionnaires from residents, the attendance status of the public space of the neighborhood was assessed. The results of using the "U Mann Whitney" test showed that there were significant differences at the neighborhood level regarding the presence of space. In the next step, the status of the criteria affecting attendance was tried to be assessed using field observation, inferential statistics, spatial analysis and spacing task analysis. The results of this evaluation showed that criteria such as population distribution, types of uses, diversity of uses and hierarchy of roads, due to the impact of physical design, do not play a role in the occurrence of spatial societal differences in the neighborhood. In contrast, criteria such as the status of urban furniture and related services, as well as spacing task criteria have the greatest impact on intra-local differences in space socialization. Therefore, this study, while creating a new framework for evaluating the criteria of socialization, while considering the differences within the locality and the need to address it, considers the formation of neighborhoods as vehicles or pre-designed in this evaluation and therefore ...

Keyword: Spatial sociability, Physical plans, Neighborhood unit, Sajjad neighborhood of Mashhad, space syntax